

هرودت در سال ۴۸۴ پیش از میلاد - در زمان خشایار شاه چهارمین پادشا سلسله هخامنشی در شهر هالیکارناس یا «بودرم» کنونی در جنوب غربی ترکیه و در کنار دریای اژه که در آن دوران جزء متصرفات دولت هخامنشی بود متولد گردید. بنابراین از نظر زادگاه ایرانی بشمار می‌رود.^۱

هرودت که ظاهراً بمل سیاسی مجبور بر ترک وطن شده بود، در دوران جوانی به سیر و سفر پرداخت و از بخشهای شمالی کرانه دریای سیاه، آسیای صغیر، فنیقیه (لبنان)، مصر، بابل و شاید سرزمین ماد و پارس و سپس مقدونیه دیدن کرد. وی در نتیجه این سیر و سیاحت کتبی چند در تاریخ، عادات و رسوم و اخلاق کشورهای مزبور به رشته تحریر در آورد.^۲

طبق عقیده غالب و شایع، هرودت در حدود سال ۴۴۷ ق.م وارد آتن شد و سخنرانیهایی در ملا عام ایراد نمود و به محفل دانشمندان و ادیبانی که گرد پهلوان آن روز دمکراسی آتن یعنی پریکلس جمع بودند، پیوست و تحت تأثیر محفل مزبور در یادداشتهای خویش دست برد و آن اوراق را مورد تجدید نظر قرار داد. گویا این تجدید نظر بر اثر فشار آتینان بوده است که وی را متهم به حمایت از ایران می‌کردند. بهرحال هرودت پس از تجدید نظر، نوشته‌های خود را به شکل تاریخ بزرگ آسیا و اروپا درآورد. وی در جنوب ایتالیا «فوریایا» نیز در تکمیل تاریخ خویش کوشید و ظاهراً در حدود سال ۴۲۵ ق.م در همانجا درگذشت و چنان که باید به اتمام تألیف خود کامیاب نگردید.^۳

نحوه پژوهش هرودت: گرچه هرودت از تألیفات اسلاف خویش استفاده کرده است و بویژه با نوشته‌هایی هکاته، هلائیک و دیونیس مورخان پیش از خویش آشنا بوده ولی در تحریر کتاب خود بر رویهم و به طور کلی، تحقیقات شفاهی را پایه قرار داده است. بویژه در مورد تاریخ ماد، بعقیده قریب باتفاق محققان از گفته‌های شفاهی اعیان پارس و از جمله «ژوپیور» که به آتن مهاجرت کرده بود و نماینده یکی از مشهورترین خاندانهای پارس بوده بهره گرفته است. وی احتمالاً از اظهار نظر یکی از اخلاف هارپاگ (سردار ایختیویگو آخرین شاه ماد که به کورش پیوست) که بعداً در ناحیه لیکه آسیای صغیر - نزدیک زادگاه هرودت مسکن گزیده و در آن املاکی داشته نیز استفاده نموده است. این گونه افراد می‌توانستند، اطلاعات نسبتاً موثق ولی یک جانبه‌ای درباره داستانها و روایت به او بدهند.^۴

تاریخ هرودت که هدف اصلیش ماجرای جنگهای یونان و ایران - جنگهای مدیک است، غالباً شامل حوادث مربوط به یونان، فنیقیه، مصر و شرق مدیترانه نیز می‌گردد که برای عصر وی تقریباً شامل تمام جهان آن روز می‌شده است - بدین گونه کتاب هرودت اولین تاریخ عمومی جهان بوده است. هرودت می‌نویسد: قصدش از تألیف کتاب آن بوده است تا اعمال بزرگ و قهرمانیهای یونانیان و بربرها و آنچه آنان بخاطرش با یکدیگر جنگیده‌اند فراموش نشود.^۵ میزان درستی مطالب کتاب هرودت:

تاریخ هرودت

اولین تاریخ مکتوب ایران باستان

سید حسین موسوی

لازم به تذکر است که هرودت پدر تاریخ در نقل روایت، امانت داری و انصاف نشان داده است. درست است که گاهی و حتی در موارد زیادی اطلاعات مندرج در کتاب او - با مقابله سایر مدارک نادرست از آب در می‌آید ولی در این موارد همیشه نادرستی و عدم امانت داری از کسی است که اطلاعات را در دسترس وی قرار داده و خود هرودت دخالتی در نادرستی مطلب یا مطالب نداشته است. زیرا هر کجا که هرودت با شخص مطلع و موثق و درستکاری، سروکار داشته، نوشته‌های او را تازه‌ترین مدارک باستانشناسی و خاورشناسی نه تنها به طور کلی بلکه در جزئیات نیز تأیید می‌کنند. یکی از تأییدات عجیب که در مورد صحت و درستی گفته‌های هرودت بدست آمده، همان کشف و ترجمه کتیبه بیستون داریوش اول پادشاه هخامنشی است، زیرا پس از ترجمه کتیبه بوسیله راولین سن، معلوم گردید آنچه هرودت تقریباً یکصد سال بعد از واقعه گئومات نوشته و اسامی شش تن از توطئه‌کنندگان را که در قتل گئومات شرکت داشته‌اند صحیح بوده است. هرودت تنها در مورد نام یکی از آنان دچار اشتباه شده است ولی در آن مورد نیز نام یکی از نزدیکترین کسان داریوش را ذکر کرده است که شخصاً در آن قتل شرکت نداشت. اگر در نظر بگیریم که نوشته‌های وی مبنی بر روایات شفاهی بوده نه منابع کتبی، آنگاه دقت عجیبی که وی در تنظیم مطالب تألیف خود بکار برده روشن می‌گردد.

متأسفانه با آن که هرودت با چندین روایت و منابع مختلف آشنا بوده است، غالباً یکی از آن روایات را نقل کرده گرچه روایتی را که به نظر او به حقیقت نزدیکتر است بر می‌گزیند و این یکی از اشکالات هرودت محسوب می‌گردد و به همین دلیل نمی‌توان بطور کامل به شم تاریخی وی اعتماد کرد.^۶

از این رو جای تعجب نیست که هرودت مورخ قدیم یونان که تاریخ هنوز او را همچون پدر خویش می‌ستاید از تأثیر مرده ریگ حیات بدوی پیشینیان، روایاتش از اساطیر، حکایات شگفت انگیز و باور نکردنی و نیز از خرافات لب ریز است.^۷ بعنوان مثال: می‌توان به داستان کودکی کورش اشاره کرد که بزعم هرودت عامل اصلی قیام علیه ایختیویگو آخرین شاه ماد بوده، در حالی که عامل اصلی قیام نارضایتی اشراف نظامی از جمله

هارپاگ بوده است.

بهرحال تاریخ هرودت با تمام نارسائیهایش، تنها تاریخ واقعی و مدون دولت ماد است که از دوران باستان به ما رسیده است. این کتاب سررشته‌ای برای تعیین وقایع کشور ماد و بخصوص در دورانی که منابع آشوری مسکوت گذارده‌اند - بدست می‌دهد.^۸ لذا تاریخ هرودت اولین کتاب تاریخی است که در جهان نوشته شده است. این کتاب اولین بار در قرن پانزدهم میلادی در اروپا - از یونانی به زبان لاتینی ترجمه شد و تا قرن گذشته، تنها طبقه ممتاز اروپا آنرا می‌شناخته‌اند. دویست سال پیش از این، سرجان ملکم در کتاب تاریخ خویش، تنها به این جمله اکتفا کرده است که تاریخ پادشاهان باستانی ایران را بالغ بر دو هزار سال پیش بوسیله هرودت یونانی نوشته شده است.^۹

اولین ترجمه انگلیسی تاریخ هرودت بوسیله جرج راولین سن انجام و در چهار جلد انتشار گردید.

اما اولین ترجمه مختصر تاریخ هرودت به زبان فارسی زیر نظر محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر مطبوعات دولت ناصر انجام گرفت و حدود ۱۲۰ سال پیش در تهران به چاپ سنگی رسید.^{۱۰}

ترجمه دیگری از آن عیناً از روی نسخه‌ای که در ایام جنگ جهانی دوم در لندن چاپ شده بود، در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران منتشر شد. سپس در سالهای ۱۳۳۱-۳۸ آقای دکتر هادی هدایتی ترجمه تازه‌ای بر متنی فرانسوی در پنج جلد تا کتاب ششم انتشار داد. اما نسخه کامل تاریخ هرودت از روی متن انگلیسی که در مدت بیست سال (۱۹۷۳-۱۹۵۴) دوازده بار در انگلستان تجدید چاپ شده بود بوسیله آقای وحید مازندرانی با عنوان تواریخ هرودت در چاپخانه فرهنگ و هنر بچاپ رسید.^{۱۱}

نتیجه: ابتکار هرودت در این بود که قلمرو مشکوک و شاید خیالی عصر خدایان یونان و قهرمانان را رها کند و توجه خویش را با عزمی راسخ به سوی زمان نزدیکتر و واقعی تر یعنی عصر تاریخ راستین گذشتگان بلافصل خود معطوف بدارد. بدین ترتیب هرودت هم خود را به بازسازی و تفسیر جنگهای مادی مصروف داشت.^{۱۲} نتیجه کوششهای وی هر قدر در نظر ما ابتدایی و یا ساده جلوه کند، باز هم تحت تأثیر استثناچهایی که تفسیرهای علمی آثار او به خواننده می‌بخشد قرار می‌گیریم.^{۱۳}

پژوهشهای هرودت در سطح مسایلی است که فلاسفه آن را علل ثانویه می‌نامند و از نخستین اصل متافیزیکی درک، جدا می‌دانند. بنابراین اگرچه نوع برداشت از مفهوم علت از دیدگاه هرودت مستلزم در نظر گرفتن مفاهیمی از قبیل تقدیر، سرنوشت یا حسادت خدایان است که از نظر ما غیرقابل قبول و شگفت‌انگیزند اما باز هم نتیجه بدست آمده از چنین پژوهشی مفید و مثبت است زیرا به مرور زمان توجه تاریخی، مورخ را وادار خواهد کرد تا در مجموعه ادراکاتش، انسان و حق حیات او را هم در نظر بگیرد.^{۱۴}

بقیه در صفحه بعد

دکتر فرقانی

وز ملک ادب حکم گزاران همه رفتند

شو بار سفر بند که باران همه رفتند

دهه اخیر تنی چند از استادان گروه تاریخ کشور رخ در نقاب خاک کشیدند و فقدان ایشان ضربه هولناکی بر پیکره گروه تاریخ دانشگاه‌های کشور وارد آورد، استادانی چون دکتر زریاب خوئی، دکتر حائری، دکتر خواجه‌جویان، دکتر رضوانی، دکتر مشکور و دکتر حیراجی که روح همه آنان قرین رحمت باد.

هنوز فقدان بزرگان و سروران را فراموش نکرده بودیم که ضایعه دیگری رخ نمود، خبر بسیار کوتاه و کوبنده بود، و چنین بود خبر درگذشت دکتر محمد فاروق فرقانی.

دکتر فرقانی در ۱۳۲۳ در خانواده‌ای اصیل و فرهنگی در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهرستان به پایان رساند و در ۱۳۴۱ پس از گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی بیرجند در کسوت معلمی به خدمت پرداخت.

دکتر فرقانی در ۱۳۴۷ در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و با پیشه شریف آموزگاری به تهران منتقل و در کنار تدریس به ادامه تحصیل پرداخت و در همان ایام دانشجویی با دختری از خانواده روحانی و اصیل پیمان همسری بست.

دکتر فرقانی پس از فارغ التحصیل شدن در رشته ادبیات فارسی در رشته تاریخ دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و پس از آن با اخذ دکترای تاریخ فعالیت جدیدی در امر آموزش در دانشگاه‌های کشور را شروع کرد.

دکتر فرقانی پس از ۳۰ سال خدمت شرافتمندانه معلمی بازنشسته شد و پس از آن تمام هم خود را معطوف به دانشگاه کرد و در دانشگاه آزاد واحدهای ابهر، تهران، کرج و مرکز آموزش عالی فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش به تدریس پرداخت و آخرین سمت وی معاونت دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بود.

دکتر فرقانی به چند مقوله علاقه وافری داشت و بدان‌ها عشق می‌ورزید: نخست به فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران زمین (بحث در این باره را به وقت دیگری موکول می‌کنیم)

دوم به زادگاهش و از این روی در سال ۷۶ با عده‌ای از همشهریانش در «انجمن بیرجندیهای مقیم تهران» را بر پا کرد و در طول ۶ سال فعالیت این انجمن عضو هیئت مدیره و دبیر این انجمن بود و هم چنین اقدامات مفیدی برای کمک به ورزش و تجهیز کتابخانه‌های شهر بیرجند به عمل آورد و حتی کتاب و سکه‌های قدیمی شخصی خود را به میراث فرهنگی شهرستان بیرجند اهدا کرد.



سوم به دانش‌آموزان و دانشجویانش که مراسم تدفین و ختم وی گویای علاقمندی شدید دانشجویان هم نسبت به وی بود.

دکتر فرقانی در ایام جوانی چون بیشتر جوانان استان خراسان اهل ورزش بد و در همان ایام جوانی قهرمان کشتی استان خراسان را بدست آورد و روحیه تعاون و فتوت و جوانمردی را از همان ایام جوانی که لازمه هر ورزشکاری است با خود داشت او نمونه بارز عیاران تاریخ سرزمین سوخته قهستان بود که امروز جز نامی از آنان باقی نیست ولی دکتر فرقانی نشانه‌های خوب و مثبت عیاران را داشت. بواسطه همین روحیه مردی دستگیر بود و زجر و زحمت ایام را کشیده بود و به این امر سبب پختگی و روح عالی او بود و او را در میان دوستان و افراد فامیل و بویژه دانشجویانش شاخص تر کرد بود. عشق او به دانشجویان و علاقه متقابل و توأم با احترام دانشجویانش نسبت به وی در خور تأمل و دقت است.

دکتر فرقانی روز دوشنبه ۷۶/۱۱/۲۷ بر اثر عارضه قلبی در تهران «پا از دایره هستی بیرون نهاد» و دوستان و دانشجویان و بستگانش را سوگواری کردند.

عشق و علاقه او به فرهنگ و تمدن ایران زمین سبب شد که مجموعه ارزنده از مقالات و سخنرانی‌هایی که در کنفرانس‌ها و سمینارها ارائه کرده بود از او به یادگار بماند. افتخار آن را داشته‌ام که در دو سمینار و نشست در خدمتشان باشم و از افادات ایشان فیض برم. وسعت دانش ایشان در حوزه منابع متون تاریخی و جغرافیایی و بویژه جغرافیای تاریخی بر همگان مسلم بود.

دکتر فرقانی تحقیقات جامعی درباره ادیان ایران بویژه مذهب اسماعیلیه بعمل آورده که رساله دکترای ایشان نیز بود، مقدمات چاپ و انتشار رساله ایشان فراهم آمده و امید است که بزودی در دسترس همگان قرار گیرد و این منبع مهم تحقیقی چراغی فراراه

علاقمندان به تحقیق در زمینه ادیان باشد. دکتر فرقانی سالهای طولانی ریاست دبیران تاریخ استان تهران را بر عهده داشت و خدمات بسیاری به تاریخ و فرهنگ ایران در این قلمرو نمود. حسن سلوک، فروتنی، تواضع، فداکاری، عدم علاقه به نام و نشان از صفاتی بود که همواره در خود داشت. چنانکه هر کس که او می‌شناخت بدین صفات پسندیده او اعتراف داشت.

روهش شاد و راهش پر رهرو باد
جمشید گیانفر

بقیه از صفحه ۴۸

منابع

- ۱- هرودت، تاریخ، ترجمه وحید مازندرانی، وزارت فرهنگ و هنر، بی‌تا، ص ۲
- ۲- دیاکف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۲
- ۳- همو، ص ۱۹
- ۴- همو، ص ۱۹
- ۵- زرین کوب، عبدالحمین، تاریخ در ترازو، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۱۲
- ۶- دیاکف، پیشین، ص ۲۰
- ۷- زرین کوب، پیشین، ص ۷۶
- ۸- دیاکف، پیشین، ص ۲۰
- ۹- هرودت، تاریخ، ص ۱
- ۱۰- همو، ص ۲
- ۱۱- همو
- ۱۲- سارمان، شارلی و همکاران... روشهای پژوهش در تاریخ، گروه مترجمان، آستان قدس، ۱۳۷۰، ۲۸/۱
- ۱۳- دیاکف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، ص ۱۵ / سارمان، پیشین، ص ۳۷/۱
- ۱۴- سارمان، پیشین، ص ۳۰/۱